

روایت خدمت مشترک بانوان محله آقامصطفی خمینی، در کنج خانه زهرا خانم ظهری

همدلی یک محله در خیریه کوچک خانگی

راه تجربه



سحر نیکو عقیده می‌توان اثر فعالیت هایش را در بیشتر اتفاق‌های خوب محله پدید آورد. مراسم مسجد به لطف او با برجا مانده، کلاس‌های طرح ترنم زندگی و برنامه‌های فرهنگی محله با پیگیری‌های او برگزار می‌شود و... خلاصه هر جای محله آقامصطفی خمینی سر بچرخانی، رد و نشانی از فعالیت هایش پیدا می‌کند. طوری که در محله حالا کمتر کسی هست که زهرا ظهری را نشناسد. اما مهم‌ترین فعالیتش راه‌اندازی خیریه‌ای کوچک در انباری گوشه حیاط خانه‌اش است. او بخشی از خانه‌اش را به این کار اختصاص داده است؛ فضایی که قبلاً آرایشگاه او بوده و خانم‌های محله به آن مراجعه می‌کردند اما حالا همان خانم‌ها اینجا کنار زهرا خانم لوازم و بسته‌های معیشتی را آماده می‌کنند.

همسر او، حسن محمد رضایی که روزی راننده تاکسی بوده، از اعضای پای کار این خیریه محلی است. او بی‌چشمداشت بسته‌ها و اقلام را به دست نیازمندان می‌رساند و حتی تاروستاهای دور و نزدیک هم می‌رود.

● ○ پر از شور زندگی

فضای اتاق مساحت زیادی ندارد اما پر از شور زندگی است. از همان در ورودی، شلوغی فضا به چشم می‌آید. لباس‌ها و پارچه‌های منجوق دوزی، ظروف پلاستیکی رنگی، عروسک‌های کوچک پارچه‌ای و...

زهرا ظهری حدود پنج سال است که واسطه خیران و ضعفاشده و حالا همه او را به عنوان معتمد و خیر محله می‌شناسند. او هر ماه این کالاها را جمع می‌کند و به دست نیازمندان می‌رساند. وسایل از سوی مردم و خیران می‌رسد و زهرا خانم با حوصله، آن‌ها را مرتب می‌کند تا به دست افراد مستمند برساند. اما چه شد که همه زندگی‌اش با کار خیر گره خورد؟

متولد سال ۱۳۵۵ است و سی سال پیش، پس از ازدواج به این محله نقل مکان کرد. همان سال اول عضو پایگاه بسیج محله شد و تحت تأثیر خانم‌ها و همسایه‌های فعال او هم پای کار آمد: «این محله با محله‌های دیگر فرق دارد. همسایه‌ها با هم آشنا تر هستند و دغدغه بیشتری دارند و برای دستگیری از دیگران بیشتر پای کارند.»

● ○ تبدیل آرایشگاه به پایگاه محلی

مسجد حضرت ابوالفضل^(ع)، مسجد فاطمه الزهرا^(س) و مسجد المهدی^(ع)؛ در هر سه مسجد محله فعال است. اما شروع فعالیت

او با مسجد حضرت ابوالفضل^(ع) بوده است. او در این مسجد، عضو پایگاه بسیج می‌شود و در خیریه ام‌البنین^(س) که در این مسجد بوده است، فعالیت می‌کند؛ «در این خیریه با خانم‌ها سید معیشتی درست می‌کردیم، اقلام را تاروستاها می‌بردیم، برای نوجوانان عروس‌ها جهیزیه آماده می‌کردیم و خلاصه صبح و شب درگیر فعالیت‌ها بودیم اما مدتی بعد این خیریه از این محله رفت.»

خانم‌های محله که دوست نداشتند فعالیت‌های محلی متوقف شود به زهرا خانم پیشنهاد کردند که آرایشگاه گوشه حیاطش را به پایگاه فعالیت‌های محله تبدیل کند؛ «چند سالی بود که مدرک آرایشگری گرفته بودم و به خانم‌های محله خدمات زیبایی ارائه می‌دادم اما با پررنگ‌تر شدن فعالیت‌های جهادی، این کار را رها کرده بودم. با پیشنهاد همسایه‌ها و وسایل آرایشگاه را جمع کردم و اینجا را تبدیل به یک پایگاه کوچک محلی کردم.»

● ○ بررسی اقلام با کمک همسایه‌ها

سال (۱۴۰۱) با راه‌اندازی این پایگاه فعالیت‌های او پررنگ‌تر هم می‌شود و خیریه جهادی صاحب‌الزمان^(ع) را در سازمان تبلیغات به ثبت می‌رساند. به واسطه این فعالیت‌ها حالا نام او برای خیران شهر، نامی آشناست. شماره‌اش میان گروه‌های نیکوکاری و مردم دست به دست می‌شود. از ابتدای هفته، وسایل اهداشده کم‌کم

می‌رسند؛ کیسه‌های لباس، بسته‌های خوراکی، گاهی هم لوازم خانه. آخر هفته، نوبت توزیع است. زهرا خانم می‌گوید: همه کارها را تنهایی نمی‌شود انجام داد. یکشنبه‌ها روز بسته‌بندی و درجه‌بندی اقلامی است که به دستمان رسیده. در این پایگاه دور هم می‌نشینیم و اقلام را با همسایه‌ها بررسی می‌کنیم. اقلام و لباس‌های نوبت‌های جهیزیه مناسب هستند. خوراکی‌ها هم در بسته‌های معیشتی قرار می‌گیرند. خیلی از اجناس حتی کیفیت حداقلی هم ندارند و دور ریخته می‌شوند.

در بخش توزیع، اما پای همسرش هم در میان است. او بارها همراهش شده است. به گفته زهرا خانم همسرش حالا بزرگ‌ترین پشتیبانش هم هست. با لبخند می‌گوید: خیر و برکتش را در زندگی‌مان دید. حالا خودش هم با دل و جان کمک می‌کند. حسن محمد رضایی راننده است و پنجشنبه‌ها و وسایل را بار می‌زند و به نقاط مختلف شهر و حتی روستاهای اطراف می‌برد.



● ○ در این پایگاه این بستر را برایم فراهم کرد. او فعالیت هایش را این طور توضیح می‌دهد: اول هفته به پایگاه می‌آیم و اقلام را بررسی و درجه‌بندی می‌کنیم. گاهی لباس‌ها نیاز به شست‌وشو دارند و ما خانم‌ها آن‌ها را به خانه می‌بریم و می‌شویم. اکرم مشکینی یکی دیگر از اثرات شرکت در این فعالیت‌ها را هم این طور بیان می‌کند: زهرا خانم باعث شده است ما کنار هم باشیم و هر ماه کاری مشترک انجام دهیم. پیوند همسایگی ما تقویت شده است و حالا همه مثل یک خانواده‌ایم.

● ○ تقویت پیوند همسایگی

میان زنان فعالی که در کنار زهرا خانم فعالیت می‌کنند، اکرم مشکینی، چهره‌ای آشنا و دوست داشتنی است. او سه سال پیش از طریق شرکت در نماز جماعت مسجد با زهرا خانم آشنا شد و از همسایه‌ها شرح فعالیت‌های این پایگاه را شنید. اکرم خانم می‌گوید: همیشه دلم می‌خواست قدمی برای محله و هم‌محله‌ای‌هایم بردارم و عضویت



● ○ با کمک همسرش که عضو هیئت امنای مسجد المهدی^(ع) است، فعالیت‌های مسجد را هم به دست گرفته‌اند. با پیگیری‌های او تا به حال کلاس‌های طرح «ترنم زندگی» در این مسجد برای بانوان و برنامه اعتکاف برای دختران نوجوان محله برگزار شده است. در ماه رمضان هم در راستای پویش افطاری ساده، جلو مسجد به توزیع چای و خرما پرداخته‌اند.

● ○ لبخند نوجوانان

خیریه صاحب‌الزمان^(ع) سی نفر تحت پوشش دارد و اعضای آن تا به حال برای ۲۲ عروس جهیزیه آماده کرده‌اند. زهرا خانم می‌گوید کارها سنگین است اما با دیدن لبخند نوجوانان همه خستگی‌ها از تنش بیرون می‌رود. او توضیح می‌دهد که علاوه بر فعالیت‌های این خیریه، او از سه سال پیش، رابط فرهنگی مسجد هم شده و